

واکاوی دیدگاه موافقان و مخالفان تقریب مذاهب اسلامی

وحدت مسلمانان جهان اسلام یکی از دغدغه‌های بزرگ علمای اسلام است و باوجود تحقق ناچیز آن در بخش‌هایی از جهان اسلام، نکته مهم آن است که هنوز چشم‌انداز روشنی از آن در جهان اسلام حاصل نشده است.

پدیدآورنده: شبلم السادات هاشمی فشارکی

متن مقاله به شرح زیر است:

چکیده

ضرورت وحدت و پرهیز از اختلاف برای سربلندی امت‌ها بر هیچ‌کس پوشیده نیست. سعادت و شقاوت ملت‌ها در گرو وحدت یا تفرقه آن‌هاست و همواره در طول تاریخ آن ملتی سعادت‌مند است که مردم آن باهم برادر بوده‌اند و به میزان حرکت به سوی جدایی و تفرقه، به همان اندازه از سعادت فاصله گرفته‌اند. وحدت مسلمانان جهان اسلام یکی از دغدغه‌های بزرگ علمای اسلام است و باوجود تحقق ناچیز آن در بخش‌هایی از جهان اسلام، نکته مهم آن است که هنوز چشم‌انداز روشنی از آن در جهان اسلام حاصل نشده است.

این مقاله با بررسی آراء و اقدامات مصلحان جهان اسلام و پیشگامان تقریب مذاهب و وحدت اسلامی، در نظر دارد تا راهکارهای موجود در مسئله تقریب مذاهب را ارائه نموده و آسیب‌ها و آفت‌های احتمالی را مورد کاوش قرار دهد. این راهکارها پیرامون و حول محور وضعیت مسلمانان، مشترکات و اختلافات آن‌ها حرکت می‌کند و به طرح این سؤال اساسی که مواضع موافقان و مخالفان تقریب مذاهب چیست، پاسخ می‌دهد.

مقدمه

قرآن کریم به‌عنوان برنامه سعادت بشری، در مورد مسئله وحدت و اهمیت آن سخن می‌گوید و الفت و برادری را نعمت و جدایی و تفرقه را عذاب می‌داند. این تأکید اسلام بر اهمیت این مسئله موجب شد تا از صدر اسلام همواره اهل بیت (ع) و عالمان و خیر خواهان جهان اسلام به این امر بیندیشند

و درصدد حل مشکل تفرقه و جدایی بین مسلمانان برآیند و به روشنگری پردازند، آن‌ها همواره در جهت برقراری وحدت و از بین بردن تفرقه تلاش کرده‌اند. علمای دین پیش‌قراولان جامعه اسلامی‌اند که دارای روح و واقعیتی پاک و درخشان هستند، این صفا و پاکی بازتابی از خلوص ارزش‌های اسلامی است که به دیگران جلوه‌ای درخشان را از دین عرضه می‌کند و باعث روی آوردن آن‌ها به دین و پایبندی به اصول آن می‌شود.

امروزه مسلمانان به سبب تفرق و اختلاف‌های موجود، بیش از هر وقت دیگری به وجود علمای ربانی و انسان‌های کامل نیازمندند تا شجره طیبه را در وجود آن‌ها بارور کنند و با تعلیم و تربیت انسان‌ها، آن‌ها را به سوی وحدت کلمه و وحدت ارواح و قلوب دعوت نمایند که ریشه ضعف مسلمین در تفرقه و پراکندگی قلوب است. یکی از اقدامات انجام‌شده در این زمینه، بحث تقریب مذاهب است، تلاشی که همواره توأم با معایب و محاسنی بوده است.

از جمله این مصلحان عبارت‌اند از: سید جمال‌الدین اسدآبادی که او را پیشگام بحث تقریب مذاهب خوانده‌اند و همچنین شاگرد او شیخ محمد عبده که به کمک علامه شیخ محمدتقی قمی، دارالتقریب مصر را تأسیس کرد. لازم به ذکر است که این حرکت، از سوی رهبر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی (ره) و یارانش نیز دنبال شده است.

تقریب مذاهب

تقریب مذاهب، دعوتی اصلاحی برای نزدیک کردن شیعه و سنی به یکدیگر با حفظ کیان هر یک از آن‌هاست. این دعوت، یک ربع قرن پیش در قاهره و در مرکز علمی عالم تسنن با عضویت بیست تن از بزرگ‌ترین شخصیت‌های اسلامی تأسیس گردید و علی‌رغم مشکلات و موانع فراوانی که در پیش رو داشت پیروز گشته و موفقیت‌های درخشانی به دست آورد. دارالتقریب سعی دارد عقول متفکر و دانشمندان و همچنین شخصیت‌های دینی بزرگ را که مورد توجه و پیروی مردم‌اند به سوی خود جذب کرده و آنان را با اصول و مبانی فکری و اجتهاد یکدیگر آشنا کند تا بدین وسیله مناظرات پر قیل و قال که اغلب به جایی نمی‌رسد با گفتگوهای مسالمت‌آمیز حل گردد یا حداقل علما و دانشمندان دینی به اجتهاد و نظریه یکدیگر با دیده احترام بنگرند؛ بنابراین دعوت به تقریب مذاهب بر پایه عقل استوار است نه عواطف و احساسات زودگذر و این دعوت به دنبال پیدا کردن راهی برای درمان درد جامعه اسلامی است.

درواقع درد جوامع اسلامی، تفرقه و اختلاف است و این اختلاف و جدایی، دستاویزی در دست

دشمنان و مخالفان دین است تا مسلمانان و غیرمسلمانان از دین و دیانت باز دارد. ایجاد اختلاف و تضاد میان علمای دین و پرداختن به عیب و نقص‌ها و اشتباهات یکدیگر، جلوه‌ای زشت از اسلام نشان می‌دهد و باعث می‌شود مردم از خود بپرسند که اگر تعالیم و آموزه‌های دینی بی‌عیب و مفید است، پس چرا آثار آن در علما و دعوتگران دینی نمایان نمی‌شود؟ اگر قرار است که علمای دین، رهبر جامعه و محور و کانونی باشند که مردم گرداگرد آن‌ها حلقه زنند. چگونه مردم می‌توانند به علما و دعوتگرانی اعتماد کنند که همواره با همدیگر در اختلاف و تضاد و در پی ترور شخصیت یکدیگرند؟ به همین خاطر مخالفان اسلام از اختلاف و کشمکش‌های موجود میان داعیه‌داران دین برای دور نگه داشتن مردم از علما استفاده می‌کنند و در مردم، شک و تردید نسبت به دانشمندان دینی ایجاد کرده، مصداقیت آنان را زیر سؤال می‌برند، آن‌ها در راه رسیدن به این هدف می‌خواهند به مردم ثابت کنند که علما در پی انگیزه‌های مصلحتی و شخصی بوده و تمایل آنان به پست و مقام است.

با پیش‌بینی چنین اتفاقاتی است که حضرت علی بن ابیطالب (ع) می‌فرماید: ((هر که خود را پیشوای مردم بگمارد، قبل از آموزش و تربیت دیگران، خود را آموزش دهد و قبل از تربیت دیگران با زبان، باید با عمل و رفتار خویش آن‌ها را تربیت کند. (دستی، 1381: 73) از طرفی قرآن کریم روش دعوت از مخالفان اعم از مشرکان و غیره را بر اساس حکمت و موعظه‌ای حسنه وضع کرده است و به ما امر فرمود که با مخالفان به نحوه شایسته به گفتگو پردازیم.

هیچ شکی در این زمینه نیست که موافقان ما در اسلام هنگام اختلاف نظر در موضوعی از موضوع‌های دین به این رفتار پسندیده اولی و سزاوارتر هستند لذا واجب است همدیگر را با حکمت و پند و اندرز نیکو فراخوانیم و با نحو شایسته تری به گفتگو پردازیم تا اختلاف نظر موجب تفرقه ما نشود و مسئله‌ای را در زمینه دشمنی و خصومت در بین ما ایجاد نکند. (آذر شیب، 1384: 175) پیامبر اسلام (ص) در سخنان رسمی خود در مسجد الحرام فرمودند: «المسلم اخو المسلم و المسلمون هم ید واحد علی من سواهم» و این راهبرد را تیترا اصلی مدیریت اجتماعی خود اعلام کرد. (الهندي، بی‌تا: 149)

پیروان تقریب مذاهب:

پیروان تقریب مذاهب اسلامی، شیعه را به عنوان یک مذهب اسلامی می‌شناسند. آنان متوجه این حقیقت شده‌اند که شیعه و اهل سنت دارای اصول مشترکی هستند و در عین حال فروع مختلفی نیز دارند که این اختلاف در فروع را باید به عنوان امری مبارک و مایه رحمت قلمداد کرد نه موجب دستمایه دوری مسلمانان از یکدیگر و این، همان دیدگاهی است که دارالتقریب قاهره و بعدها مجمع جهانی تقریب

مذاهب اسلامی (تهران - 1369 ش) بر پایه آن شکل گرفت و موجب انتشار مجموعه ای ارزشمند از مقالات و فتاوی تقریبی علمای اسلامی تحت عنوان مجله رساله الاسلام در قاهره گردید.

علمای موافق تقریب مذاهب:

ابوری: او متهم به تشیع و علاقه به شیعیان است که کتاب اضواء علی السنه المحمدیه او ممنوع اعلام شده است.

طه حسین: او کتابی تحت عنوان فتنه الکبری نوشته که در آن به فتنه عثمان اشاره کرده است و به همین دلیل، مورد اتهام الازهر قرار گرفت. اخیراً کتابی با عنوان حرکت آل البیت از سوی الازهر در پاسخ به این کتاب منتشر شده است.

استاد زینب الغزالی: او از فعالان جنبش اخوان المسلمین مصر و رئیس جمعیت بانوان مسلمان و عضو دانشگاه الازهر است که برای ایجاد اتحاد اسلامی تلاش فراوانی کرده است او جدایی شیعه و سنی را توطئه صهیونیستی می داند و از مسلمانان می خواهد در دام این فریب نیفتند.

دکتر عبد الواحد وافی: او رئیس دانشکده تربیت دانشگاه الازهر است که کتاب بین الشیعه و السنه را تألیف کرد.

شادروان شیخ الفهام: ایشان از استادان برجسته دانشگاه الازهر بود که به باورهای مشترک دو مذهب شیعه و سنی اشاره کرده است.

شیخ باقوری: او استاد دانشگاه الازهر است که اختلافات دو مذهب شیعه و سنی را فاقد پایه و اساس علمی می داند.

شیخ عبد الوهاب عبداللطیف: او از مدرسان دانشگاه الازهر است که مباحثه دو مذهب شیعه و سنی را به منظور همسایگی و در هم آمیختن آن دو پیشنهاد کرد.

شیخ عبدالرحمان نجار: او معتقد است که شیعیان، نیمی از مسلمانان هستند که اجتهادهای پاکیزه ای دارند.

شیخ محمد غزالی: او در کتاب «الوحده الاسلامیه» از شیعیان بسیار پشتیبانی و حمایت نموده و هدف از تقریب مذاهب را نه رفع اختلافات، بلکه نزدیکی گروه های اسلامی بدون توجه به شکاف های میان

آنان اعلام کرده و در کتاب دیگرش به نام «السنة النبوية» بین اهل الفقه و اهل الحديث» کوشیده تا مذاهب اسلامی به ویژه باورهای مذاهب شیعه و سنی را به هم نزدیک کند.

محمد مهدی عاکف: او رهبر کنونی جنبش اخوان المسلمین مصر، است که نزدیکی مذاهب اسلامی و توافق بین آنها را پیشنهاد کرد تا بتوانند با دسیسه های صهیونیستی آمریکا ای که هدفش به زانو درآوردن امت اسلامی و توهین به باورهای آنان، سست کردن ریشه های فرهنگی و بخش بخش کردن منطقه خاورمیانه است مقابله نمایند. امروزه به همان نسبت که سنیان و وهابیان با همراهی جریان سیاسی و نفوذی داخلی و خارجی، خصوصاً غربی در حال شبهه افکنی و ستیزه جویی هستند در مقابل جریان های میانه رو در حال نیرو گرفتن با رویکردهای موافق با تقریبی ها در حال بالندگی و فعالیت می باشند.

محمد سید طنطاوی: او با عنوان شیخ الازهر شناخته می شود رئیس پیشین دانشگاه الازهر است که در دیدار با یک هیئت عراقی به ریاست عمار حکیم از رهبران برجسته مجلس اعلای عراق و فرزند عبدالعزیز حکیم، رئیس کنونی این مجلس از آمادگی الازهر برای همکاری در فرایند تقریب، میان اهل تسنن و تشیع خبر داده بود. او در ادامه فعالیت هایش اجازه نام نویسی دانشجویان شیعه در دانشگاه را صادر کرده است.

احمد السایح: او استاد دانشگاه الازهر و عضو مجمع تقریب مذاهب اسلامی است که با بیان این که شیعیان، بخش جدایی ناپذیر شهروندان مصری اند گسترش مذاهب تندرو و کوشش پیروان این مذاهب را برای فتنه افکنی را مهم ترین چالش پیش روی گروه های اسلامی دانسته است.

دکتر علی جمعه: او مفتی برجسته مصر و دانشگاه الازهر و از چهره های میانه رو است. آخرین فتوای مربوط به جواز مذهب جعفری فتوای او بود که پیروی از مذهب جعفری را جایز دانست این دانشمند برجسته پیرو علمای بزرگ تقریبی چون شیخین عبدالحمید سلیم، شلتوت و شریاصی است. رویه دکتر علی جمعه مبنی بر جواز مذهب جعفری در مقابله با روش کسانی چون شیخ محمود، رئیس کنونی شورای تقریب بین مذاهب بود که با گسترش تشیع در مصر مخالف است و بیان کرده که به دانشگاه الازهر اجازه نخواهد داد که موجب گسترش تشیع در مصر گردد.

سید عبدالحسین شرف الدین لبنانی: او درباره تشیع و تسنن می گوید: «شیعه و سنی را از روز نخست، سیاست از هم دور کرد و اکنون باید سیاست (مصالح سیاسی اسلام) آنان را کنار هم گرد آورد.»

شیخ قمی: او از جمله علمایی است که برای تقریب مذاهب شیعه و سنی سفرهای متعددی به مصر کرده است.

آیت‌الله محمدعلی تسخیری: او دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی بود که در زمینه برقراری روابط حسنه میان شیعیان و اهل سنت بسیار پویا بوده است.

آیت‌الله بروجردی: ایشان نسبت به وضع مسلمانان با دلسوزی وصف ناپذیر اهتمام می‌ورزیدند و دلسوزی‌های ایشان برای اسلام و مسلمین و علاقه‌ای که به حفظ جهات اسلامی و دینی داشتند، یکی از امتیازات بسیار بارز ایشان بود. (مؤثقی، 1370 ش: 142)

مخالفان تقریب مذاهب:

مخالفان تقریب مذاهب اسلامی، شیعه را به عنوان دینی خارج از اسلام فرض کرده‌اند. در آثار برخی از آنان، شیعه در ردیف مجوس و یهود و نصاری معرفی می‌شود، برای مثال ناصر القفاری پس از نگارش صدها صفحه درباره آنچه بدعت‌های شیعیان می‌نامد، سرانجام به دو دیدگاه کلی درباره شیعه اشاره می‌کند:

1- دیدگاه اقلیت که معتقدند شیعیان اهل بدعت‌اند.

2- دیدگاه اکثریت که معتقدند شیعیان کافرند.

قفاری نام مجموعه‌ای از علمای بزرگ اهل سنت را که قائل به تقریب مذاهب اسلامی بوده‌اند از فهرست علمای اسلام حذف کرده است و تنها کسانی را علمای اسلامی محسوب می‌کند که مطابق اندیشه او، مخالف شیعه و تقریب مذاهب اسلامی باشند. قفاری می‌گوید: رافضی‌ها توانستند در پرتو دعوت به تقریب میان مذاهب اسلامی، شیخ الازهر شلتوت را با این ادعا که مذهب شیعه با مذهب اهل سنت تفاوتی ندارد بفریبند و از او خواستند تا فتوایی درباره جواز تعبد به مذهب صادر کند؛ او نیز پذیرفت و فتوای خود را در سال 1368 هجری در زمینه جواز تعبد مذهب جعفری صادر کرد. همچنین شیخ عبداصلی می‌نویسد: تقریب میان اهل سنت و شیعه امری محال است، زیرا چگونه می‌توان حق و باطل، کفر و ایمان و نور و ظلمت را یکجا جمع کرد؟ دعوت شیعه به ندای تقریب، تنها از باب فریبکاری و مخفی کردن نقشه‌های خبیثانه آن‌هاست.

مخالفان تقریب مذاهب اسلامی یا راه انکار وجود گرایش تقریب مذاهب در میان علمای اهل سنت را در پیش گرفته‌اند و یا چنین علمایی را جاهل و ساده لوح می‌دانند؛ اما با تمام این مخالفت‌ها

حضور علمای تقریبی در میان بزرگان اهل سنت به این معناست که یا برخی از علمای اهل سنت که معتقد به تقریب مذاهب اسلامی هستند مایل به کفر و بدعت شده‌اند که چنین امری محال است و یا آنکه ادعای کفر و بدعت شیعه، تنها پنداشته و گمان برخی از پیروان سلفیه است. (فراستی، 1376: 65)

موضوعات مورد توجه مخالفان تقریب مذاهب اسلامی در مباحث شیعه شناسی

موضوعات مختلفی در حوزه شیعه شناسی مورد توجه مخالفان تقریب مذاهب اسلامی می‌باشد که به برخی از مهم‌ترینشان در ادامه اشاره می‌گردد:

مباحث توحید و شرک؛ با موضوعاتی چون سجده بر مهر و یا شفاعت ائمه شیعه و زیارت قبور اولیای الهی و همچنین تفسیر نادرستی که از مفهوم بداء در اندیشه و اعتقاد شیعه دارند که بر اساس آن مدعی می‌شوند که شیعیان، خداوند متعال را جاهل می‌دانند. آنان در مخالفت خود تا آنجا پیش می‌روند که اختلاف با شیعه را در نه در فروع فقهی آن بلکه در اصول توحید می‌دانند و معتقدند که «اختلاف میان ما و آن‌ها اختلاف میان اسلام و بت‌پرستی است». آن‌ها در همین راستا به غلو و بزرگی‌نمایی مظاهر شرک در شیعه می‌پردازند که شامل موضوعاتی چون عصمت امام، علم غیب و زیارت قبور می‌شود.

ادبیات شبیه‌انگاری شیعیان با یهودیان: این اعتقاد در ذیل مبحث عبدا بن سبا شکل گرفته است و کتاب منهاج السنه ابن تیمیه یکی از سرمشق‌های اصلی آن است. به ادعای شیوخ سلفی شیعه توسط فردی یهودی به نام عبدا بن سبا اختراع شده است. علاوه بر یهودی و مجوسی جلوه دادن شیعه، برخی نیز با الهام از ابن تیمیه، شیعیان را به نصرانیان تشبیه کرده‌اند و درباره‌شان گفته‌اند: «شیوخ رافضه هیچ بهره‌ای از علوم اسلام از قبیل علم حدیث، فقه، تفسیر و قرآن ندارند و همانند اهل کتاب یا جاهل‌اند یا زندق» آن‌ها ادعاهای عجیب دیگری هم کرده‌اند که بیشتر شبیه خیال‌بافی است، مانند ادعای تشابه یهود و شیعه در تکفیر غیر خود، تشابه یهود و شیعه در موضوع امامت بر اساس وصیت، تشابه یهود و شیعه در اعتقاد به مسیح و مهدی منتظر، تشابه یهود و شیعه در غلو درباره ائمه و خاخام‌هایشان، تشابه یهود و شیعه در قدح انبیاء و صحابه. آن‌ها به عنوان مثال می‌نویسند: «امام خمینی می‌نویسد که تعالیم ائمه مانند تعالیم قرآن لازم‌الاجرا است و یهود نیز معتقد است کسی که با خاخام خود مجادله کند گویی که با عزت الهی مجادله کرده است».

در زمینه مهدویت: موضوعاتی از قبیل صاحب سرداب، رحلت امام حسن عسکری بی‌آنکه فرزندی داشته باشد و رد موضوع غیبت مورد توجه است. سلفی‌ها عمدتاً موضوع غیبت را ناشی از عقاید یهود و

نصاری فرض کرده‌اند. صالح الخراشی می‌نویسد: شیعیان معتقدند که مهدی‌شان پس از ظهور به‌جای شریعت محمد (ص) بر شریعت آل داود حکمرانی خواهد کرد. این در حالی است که شریعت محمد (ص) ناسخ شرایع دیگر است. او در خصوص این موضوع می‌نویسد، اینکه مهدی شیعه به‌جای عمل به سیره رسول خدا و علی و حسن و حسین به سیره یهود عمل می‌کند، نشان می‌دهد که قائم منتظر آنان، دولت یهود (اسرائیل) و یا مسیح است و تأکیدشان بر حکومت آل داود نشان دهنده ریشه‌های یهودی تشیع است. در بسیاری از متون سلفی‌ها ادعا می‌شود که شیعیان امام زمان خود را صاحب سرداب می‌نامند و معتقدند که امام زمان از کودکی در سرابی در شهر سامرا پنهان شده است.

محمد مردوخ کردستانی می‌نویسد: خدا کار غلط نمی‌کند که یک طفل معصوم پنج‌ساله را بدون هیچ‌گونه گناه و تفصیری در سرداب سامرا از سنه 260 هجری قمری تا آخرالزمان زندانی و حبس نماید و گله را بی چوپان بگذارد. مگر خدا قادر نیست که در آخرالزمان چنین کسی را خلق کند و مرتکب چنین خلافی نشود؟ این ادعاهای نادرست از حافظ بن کثیر نشأت یافته که موضوع سرداب را به صورت نادرستی مطرح کرد و اشتباه خود را به دیگران منتقل نمود. این در حالی است که اعتقاد به مهدویت منحصر به شیعه نیست و اهل سنت هر دو تصریح دارند که به اذن الهی حضرت خروج خواهد کرد در این خصوص می‌توان به روایات مشترک و مورد قبول شیعه و سنی توجه کرد از جمله حدیث ثقلین به طوری که سید مرتضی رضوی کشمیری در گفتگو با عزالدین ابوالغرایم می‌گوید: محکم‌ترین و استوارترین دلیل بر وجود امام مهدی (ع) حدیث ثقلین است که آن حضرت می‌فرماید: «لن یفترقا حتی یردا علی الحوض» بنا براین آن حضرت، زنده و موجود است، زیرا که قرین و همراه قرآن است و قرآن کریم هنوز موجود است.

ادعای اعتقاد شیعیان به تحریف قرآن: ابن جبرین و همفکرانش مانند عبدا موصلی در صدد اثبات این امرند که شیعیان معتقد به وجود سوره‌ای به نام ولایت و سوره‌ای به نام النورین هستند. مستند اصلی سوره خیالی ولایت کتاب «فصل الخطاب فی تحریف القرآن» است که نویسنده آن، این مطلب را از کتاب «دبستان المذاهب» که نویسنده آن ناشناس و مجهول روایت کرده است. آیت‌الله خویی در تفسیر البیان خود می‌نویسد که: «مشهور میان علمای شیعه و محققان آن‌ها قول به عدم تحریف قرآن است» به‌ویژه اینکه آیت‌الله خویی در ادامه می‌فرماید: جماعتی از شیعه و جمعی از علمای اهل سنت قائل به وقوع تحریف قرآن شده‌اند. موصلی می‌نویسد: «پس جرأت او را در این عبارات ببینید که می‌نویسد جمعی از علمای اهل سنت حذر حذر از این شیاطین مکر کننده

ادعای سب صحابه به وسیله شیعیان و تکفیر آنان؛ از این تعداد، جز عده انگشت‌شماری، نام صدها تن از صحابه رسول خدا (ص) که در لشکر حضرت علی (ع) حضور داشته و بسیاری از آن‌ها به شهادت نیز رسیده‌اند، وجود دارد.

ادعای اجماع امت علیه شیعه؛ که با هدف حذف اسامی علمای تقریب مذاهب اسلامی در بسیاری از آثار پیروان مکتب سلفیه دیده می‌شود.

برداشت ناروا از فقه شیعه و غیر اخلاقی دانستن آن؛ که در موارد متعددی با ادعاهای دروغین همراه است مانند طرح موضوع متعه.

تقیه: از موضوعات مورد توجه مخالفان تقریب مذاهب اسلامی است؛ آنان بی‌توجه به تعریف تقیه از دیدگاه شیعه، آن را به مثابه شیوه‌ای منافقانه برای تغییر مذهب اهل سنت تعبیر کرده‌اند. برای مثال علی امام عبید چنین مدعی می‌شود که شیعیان دو دسته کتاب دارند: اول کتاب‌هایی است که از روی تقیه برای اهل سنت نگاشته‌اند و خود به آن آثار اعتقادی ندارند. دوم کتاب‌هایی که برای خودشان نگاشته‌اند و به آن اعتقاد دارند. او معتقد است کسانی که فریب شعار تقریب مذاهب را خورده‌اند، در دام سیاست تقیه شیعیان گرفتار شده‌اند.

شیعه‌هراسی: آن‌ها با استفاده از شگرد شبیه‌انگاری شیعه و یهود ادعا می‌کنند که شیعه، اهل سنت را کافر و نجس می‌دانند، به طوری که موصلی می‌نویسد: برادر مسلمان اهل سنت به اعتقاد شیعه دوازده امامی کافرند و فرد سنی به اعتقاد آن‌ها ناصبی است چه شافعی باشد یا حنبلی، مالکی و یا حنفی باشد و یا از آنان که به ایشان وهابی گویند.

موضوعات مربوط به انقلاب اسلامی، امام خمینی و حزب الله لبنان.

عوامل مختلفی موجب اهمیت یافتن انقلاب اسلامی ایران در متون مخالفان تقریب مذاهب اسلامی شده است که عبارتند از:

1- جذابیت آرای امام خمینی (ره) در اندیشه معاصر جهان اسلام.

2- دشمنی آل سعود با انقلاب اسلامی.

3- مبارزه با رژیم اشغالگر قدس.

4- تقویت چشمگیر احزاب و جمعیت‌های شیعی لبنان با ظهور حزب الله لبنان.

5- فتوای قاطع امام خمینی در ارتداد سلمان رشدی.

6- توجه به شخصیت‌هایی مانند آیت‌الله خامنه‌ای، خویی و آیت‌الله سیستانی.

7- برداشت‌های نادرست، عدم توجه به برداشت‌های علمای شیعه، مراجعه به احادیث و منابع دارای

در حقیقت کج فهمی و برداشت‌های نادرست، سوء برداشت‌ها و تفاهم‌ها علت اصلی مخالفت‌های تقریب مذاهب است. محمود الزغبی در کتاب خودش گفته است: «شیعیان معتقدند که خوردن و آشامیدن در نماز جایز است و یا به باور آنان روزه‌دار می‌تواند پوست حیوان را بخورد» او این ادعاها را بدون تحقیق پذیرفته است. دیگر اینکه آن‌ها فکر می‌کنند شیعیان هر حدیثی که در بحارالانوار و یا اصول کافی است بی‌کم‌وکاست می‌پذیرند. در حالی که شیعه در مباحث روایی معیارهای محکمی دارد. از مهم‌ترین عوامل بروز چنین مشکلی عدم شناخت و خصوصاً شناخت نادرست مسلمانان از یکدیگر است. از این‌رو هم شیعه شناسی اهل سنت و هم نحوه شناخت اهل سنت، توسط شیعیان حائز اهمیت است تا به جای مشغول شدن به موضوعات خیالی و غیرواقعی با واقعیت‌ها و حقایق جاری روبه‌رو شوند و زمینه همدلی و همکاری مشترک را ارتقا بخشند. علمای دارالتقرب متهم می‌شوند به اینکه در صدد شیعه کردن اهل سنت و یا حتی الغای مذاهب اسلامی‌اند و حتی غیر از اهل سنت، شیعه‌ها تصور می‌کنند که اهل سنت تصمیم دارند آن‌ها را سنی نمایند.

شیخ شلتوت در متن فتوای خود در جواز پیروی از مذهب شیعه چنین آورده است: آیین اسلام هیچ یک از پیروان خود را مجبور به پیروی از مذهب معینی نکرده است، بلکه هر مسلمانی می‌تواند از هر مذهبی که به گونه صحیح نقل شده و احکام آن در کتاب‌های ویژه خود تدوین گشته است، پیروی کند؛ بنا بر این کسی که مقلد یکی از مذاهب اربعه است، می‌تواند به هر یک از مذاهب دیگر بر گردد. مذهب امامیه اثنی‌عشری مذهبی است که شرعاً پیروی از آن مانند پیروی از مذاهب اهل سنت جایز است؛ بنا بر این اگر مسلمانان این حقیقت را دریابند، از تعصب ناروایی که نسبت به مذهب معینی دارند دور می‌شوند، زیرا دین خدا در گرو پیروی از مذهب خاصی و در انحصار آن نیست. (1379 ق - 1959 م)

این اعتقاد مورد تأیید شیخ محمد غزالی قرار گرفته است. به باور او، اختلاف میان شیعه و اهل سنت تنها در فروع آن‌هاست که این اختلاف در میان مذاهب چهارگانه اهل سنت هم موجود است، اختلاف مذاهب اسلامی در فروع باید مایه پیشرفت و ترقی و تعادل آن‌ها گردد و نباید به تضاد و تفرقه بینجامد. شیخ محمد سید طنطاوی نیز فتوای شیخ شلتوت، مبنی بر اعتبار تعبد به مذهب شیعه را تأیید کرده و چنین می‌گوید: «خداوند را سپاس می‌گوییم که بین ما اختلافی پیرامون اصول وجود ندارد و اگر باشد در فروع است. اگر اختلاف در غیر فروع پیدا شود باید مطالب را روشن سازیم و تبیین کنیم و مادام که نیت‌ها پاک و مقصودها صحیح است، قطعاً به موارد توافق همگانی می‌رسیم.....» این بیانات و اعتقادات، زمینه‌ساز ایجاد مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در سال 1411 ق برابر با 1369 ش در تهران شد که با سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای فعالیتش را آغاز کرد و علمای

بزرگی همچون آیت‌الله شیخ محمدعلی تسخیری و آیت‌الله شیخ محمد واعظ‌زاده خراسانی در آن سهم بسزایی داشتند. (صداقت ثمر، 1391: 122-123)

راهکارهای علمی و عملی وحدت اسلامی:

هیچ حرکت و تحولی بدون برنامه و ارائه راهکارهای علمی و عملی به ثمر نخواهد نشست و بدون راهکارهای اساسی تحولات جاری در سطح و روبناها پخش می‌شود و به آسانی قابل سرکوب خواهد بود؛ زمانی وحدت اسلامی در لایه‌های مختلف جوامع ریشه دوانده و عمق و گسترش می‌یابد که آن شرایط به صورت اساسی و بنیادین محقق گردد در ادامه به مهم‌ترین این شرایط اشاره می‌شود:

احیای تفکر اسلامی

اسلام به‌عنوان «ثابتات دینی» همواره زنده است و نیازی به احیا ندارد، یعنی دارای حقایق جاودانی است که خارج از ذهن انسان، چنان‌که وحی شده وجود دارد. این حقایق هرگز دست خوش کاهش یا افزایش نمی‌شوند، بلکه این اندیشه و تفکر آلوده ماست که به آن آسیب می‌زند. اذهان ما در چگونگی، میزان دریافت و عمل به آموزه‌های اسلامی دچار شدت یا ضعف می‌گردد که به تسامح در صورت شدت این امور از «زنده بودن تفکر اسلامی» و در وضعیت عکس از «نابودی و مرگ» آن سخن به میان می‌آید. (لاهوری، 1354: 11) احیای تفکر اسلامی به معنی توانایی آن در پاسخگویی به پرسش‌های متعدد در بستر قرون و اعصار است و امات به آن به معنای عدم توانایی در این پاسخگویی است. (ایزدینا، 1372: 59) عباس محمود العقاد می‌گوید: «که مراد ما از باور دینی، نه طرز فکر یا روش مطالعه که شیوه زندگی است، بلکه منظور ما چیزی است که جان را سرشار می‌سازد نه آنچه که سرها و صفحات را پر می‌کند». (العقاد: 402) ریچارد نیکسون نیز معتقد است: «مذهب، قرن‌ها محرک انسان‌ها بوده و توانسته است قلوب پیروانش را تسخیر کند، در حالی که دولت از چنین کاری عاجز است». (فراتی، 1376: 63)

رعایت اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط

دین اسلام، صراط مستقیم و راه معتدل و دور از افراط و تفریط است. علامه طباطبایی در تفسیر آیه شریفه: «قُلْ إِنَّنِي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قَرِيمًا مَلَّاهُ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ» ما كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (انعام: 161) می‌نویسد: ملت ابراهیم، حنیف است یعنی از افراط و تفریط و شرک به دور است و به سمت اعتدال توحید است. (طباطبایی، 1362، ج 7: 219) یکی از وظایف دینی که مسلمان‌ها به خصوص قشر علما به عهده دارند، پاسداری و حفظ دین از بدعت‌هاست. حفظ اصول و مبانی دین از انحراف از برجسته‌ترین وظایف هر عالم دینی به شمار می‌رود. رسول

خدا (ص) در این زمینه فرمودند: زمانی که در امتم بدعت‌ها آشکار شد بر عالم و دانشمندان است که علم خویش را آشکار کند. پس هر کس چنین نکند لعنت خداوند بر او باد. (کلینی، 1401، ج 7: 1)

خودسازی اخلاقی:

خودسازی در امور فردی و اجتماعی یک ضرورت است. فردی که از لحاظ اخلاقی خودساخته نیست کارآمدی لازم را در ایفای وظیفه محوله ندارد و حتی اگر در حدی کارآمد باشد، به مراتب خطرهایش افزون‌تر است. منظور از خودسازی اخلاقی عنوان عامی است که هر گونه فضایل و رذایل اخلاقی را در بطن خود دارد. تهذیب باطن و تصفیه درون از شرایط آمادگی برای ایثار و گذشت در راه خدا و ارزش‌های متعالی انسانی است. (خمینی، 1361، ج 5: 142)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش این نتیجه حاصل شد که اختلاف بین شیعه و اهل تسنن بیشتر ناشی از سوء برداشت‌ها و عدم اطلاعات درست و کافی از منابع یکدیگر است. اختلافات شیعه و اهل تسنن ناشی از فروغ است تا از اصول و اینکه بعضی از اشخاص به خاطر بعضی از منافع باعث تفرقه بین مسلمانان شده اند و برخی از مفهوم و اصلاحات را دستاویزی برای اختلافات کرده اند. طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی از جنایاتی است که به دست قدرتمندان که از اختلاف بین مسلمانان سود می‌برند ایجاد شده است و هر روز بر آن دامن می‌زنند و در هر مقطع به امید آنکه اساس وحدت مسلمین را از پایه ویران نمایند، طرحی برای ایجاد اختلاف عرضه می‌دارند؛ بنابراین بر مسلمانان و خصوصاً علمای عصر فرض است که در زمینه دسیسه‌های مخالفان و دشمنان با بیداری و هوشیاری لازم حرکت کنند و از هر گونه غفلت پرهیز نمایند. علما و دانشمندان سراسر جهان اسلام باید یکدل و یک جهت در راه نجات بشر تلاش کنند و در این راه از تعصبات بی‌جا و زیاده‌طلبی و هواهای نفسانی پرهیز کنند و بدانند که به حقیقت فساد عالم باعث فساد عالم می‌شود.

منبع: «روزگاران» - بهار 1397، سال سیزدهم - شماره 13